



Civil Protest, its Limits and Territory from the Perspective of the Laws of the Islamic Republic of Iran

Mohammad Mahdi Orvati Movafagh

*MA in Law, Faculty of Humanities, Mofid University, Qom, Iran.
mahdiOrvati@gmail.com
(Corresponding Author).

Yunes Fathi

Assistant Professor of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.
u.fathi@basu.ac.ir

Received: 2021/05/10

Accepted: 2021/09/07

DOI:

10.22034/hpsj.2021.207935.1044

ABSTRACT

The issue of freedom is one of the most important issues in the field of human rights, civil rights, and democratic governments. The freedom right of assembly and peaceful demonstration is one of the most fundamental issues of individual rights exercised collectively and one of the most important manifestations of democratic societies. This important issue has its fundamental roots in the international law. The right to freedom of peaceful assembly is, in fact, the right of people to express their views and attitudes towards various problems to the authorities and other members of the society. The aim of this paper is to examine the limits and scopes of civil protest from the perspective of the laws of the Islamic Republic of Iran. The present study is structured in a descriptive-analytical manner. According to the results of this study, in accordance with Article 27 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, peaceful protests have been declared free, based on two conditions: 1- not having weapons and 2- not violating the principles of Islam; this right has been recognized officialy. The government is obliged to ensure the security of these protests observing these two conditions. In addition, the passing of any laws and regulations that add other conditions to these two conditions stipulated in the constitution is explicitly against the constitution, and the Guardian Council, as the guardian institution and interpreter of the constitution, annuls them in some cases.

Keywords: Civil Protest, Territory of Protest, Assambles, Laws of Islamic Republic of Iran.

► **Citation (Vancouver):** Fathi Y, Orvati Movafagh M. Civil Protest, its Limits and Territory from the Perspective of the Laws of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly J Hamedan Police Sci.* Summer 2021; 8(2):37-45.

► **Citation (APA):** Fathi, Y., Orvati Movafagh, M. (Summer 2021). Civil Protest, its Limits and Territory from the Perspective of the Laws of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Hamedan Police Science*, 8(2), 37-45.

اعتراض مدنی، حدود و قلمرو آن از منظر قوانین جمهوری اسلامی ایران

چکیده

بحث از آزادی، یکی از مسائل مهم در مجموعه مسائل مربوط به حوزه حقوق بشر، حقوق شهروندی و نظام‌های مردم‌سالار است. حق آزادی تجمعات، راهپیمایی‌ها و تظاهرات مسالمت‌آمیز یکی از اساسی‌ترین مسائل حقوق فردی به‌شمار می‌رود که به‌روشنی جمعاً انجام می‌شود و از مهم‌ترین نمودهای جوامع مردم‌سالار است. این مهم ریشه‌ای بنیادین در قواعد بین‌المللی دارد. حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز در واقع، حقی است برای مردم که به‌وسیله آن دیدگاه و نگرش خود را نسبت به مسائل مختلف به گوش مسئولین و دیگر افراد جامعه برسانند. هدف این مقاله، بررسی حدود و قلمرو اعتراض مدنی از منظر قوانین جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش حاضر به‌شیوه توصیفی-تحلیلی به نگارش درآمده است. براساس نتایج این پژوهش، مطابق با اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اعتراضات مسالمت‌آمیز با رعایت دو شرط: ۱- به‌همراه‌نداشتن سلاح و ۲- مخل نبودن مبانی اسلام، آزاد اعلام شده و این حق به رسمیت شناخته شده است. حاکمیت موظف است با رعایت این دو شرط امنیت این اعتراضات را تأمین نماید. همچنین، وضع هرگونه قانون و آیین‌نامه‌ای که شروط دیگری بر این دو شرط مصرح در قانون اساسی اضافه نماید، خلاف صریح قانون اساسی است و شورای نگهبان به‌عنوان نهاد نگهبان و مفسر قانون اساسی در مواردی به ابطال اقدام می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اعتراض مدنی، قلمرو اعتراض، تجمعات، قوانین جمهوری اسلامی ایران.

محمد مهدی عرونی موفق

* کارشناس ارشد حقوق عمومی،
دانشگاه مفید، قم، ایران.
mahdiorvati@gmail.com
(نویسنده مسئول).

یونس فتحی

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم
انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان،
ایران.
u.fathi@basu.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۳۷-۴۵.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/hpsj.2021.207935.1044

◀ **استناد (ونکوور):** فتحی ی. اعتراض مدنی، حدود و قلمرو آن از منظر قوانین جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی دانش انتظامی همدان. تابستان ۱۴۰۰، ۸(۲): ۳۷-۴۵.

◀ **استناد (APA):** فتحی، ی. (تابستان ۱۴۰۰). اعتراض مدنی، حدود و قلمرو آن از منظر قوانین جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی دانش انتظامی همدان، ۸(۲)، ۳۷-۴۵.

انسان‌ها به دلیل انسان‌بودن و داشتن کرامت و ارزش انسانی و عدم وجود دلیلی برای برتری‌جویی بر یک‌دیگر، از حقوق یکسان و برابری برخوردار هستند. به بیان دیگر، حقیقت انسان، حقیقتی عینی است و این حقیقت عینی از یک طرف از حقوق خاصی برخوردار است و از طرف دیگر، آن حقیقت جامع، در تمام افراد بشر وجود دارد. افراد مزبور گرچه از جهت خصوصیت‌های وجودی، غیر یکسان-اند، اما اصل جامع همه آن‌ها یکی است. به همین جهت، همه انسان‌ها براساس جهت جامع و حقیقی خود، دارای حقوق مشترک هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴).

حقوق مجموعه‌ای از قواعد حاکم بر روابط اشخاص حقیقی و حقوقی است. البته، باید در نظر داشت که براساس آموزه‌های اسلامی حقوق دایره‌ای وسیع داشته و رابطه انسان با خداوند را نیز شامل می‌شود. در یک دسته‌بندی کلان، حقوق به داخلی و خارجی و به بیان دیگر ملی و بین‌المللی و هر یک از این دو نیز به نوبه خود به خصوصی و عمومی تقسیم می‌شوند. درک دقیق از حقوق عمومی داخلی به توصیف دولت نوین و شناخت موضوع حقوق عمومی، یعنی حکومت و عمل حکمرانی وابسته است (جووان آراسته، ۱۳۹۸: ۱-۵).

علاوه بر این، ماهیت ممتاز حقوق عمومی ناشی از منحصر به فرد بودن وظایفی است که قانون در خصوص عمل حکمرانی انجام می‌دهد. قانون، افزون بر پایه‌گذاری ساختاری برای وضع احکام و مقررات نظام‌دهنده به حیات اجتماعی، در تعیین و ابقای ساختار اقتدار دولت نیز نقش ایفا می‌کند (لاگلین، ۱۳۸۸: ۳۳۰). در مجموعه مباحث حقوق عمومی، حقوق فردی و آزادی‌های عمومی، جزو اساسی‌ترین اصول حکومت‌های مردم‌سالار هستند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۵: ۱۱۹). برپایی و ماندگاری جوامع مردم‌سالار بدون به رسمیت شناختن حق‌ها و آزادی‌های فردی، مانند حق بر کرامت انسانی، برابری، آزادی اندیشه و بیان و... ممکن نیست تا جایی که رعایت آن‌ها در قوانین

و منشورهای بین‌المللی و داخلی کشورها نیز تصریح شده است. حق بر آزادی تجمعات، راهپیمایی و تظاهرات مسالمت‌آمیز، یکی از حقوق فردی است که به روش جمعی اعمال می‌شود و از مهم‌ترین نمودهای جوامع مردم‌سالار است که ریشه بنیادین در قواعد بین‌المللی دارد. حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز در واقع حقی است برای مردم که دیدگاه و نگرش خود را نسبت به مسائل مختلف به گوش مسؤولین و دیگر افراد جامعه برسانند (سازمان امنیت و همکاری اروپا، ۱۳۹۵: ۲۹-۳۰).

همان‌گونه که ذکر شد، انسان به دلیل انسان‌بودن و فارغ از جنس، نژاد، رنگ، زبان، طبقه اجتماعی یا اوضاع اجتماعی یا میزان قابلیت‌ها از حقوقی برخوردار است که به آن حقوق انسان یا حقوق بشر اطلاق می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۶۶؛ جووان آراسته، ۱۳۹۸: ۱۱).

از مهم‌ترین مصادیق حقوق انسان می‌توان به حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره نمود. این حقوق شامل حق حیات و امنیت، برابری، آزادی و حق مشارکت سیاسی، حق مالکیت، حق اشتغال، حق بهزیستی، حق تامین اجتماعی، حق دادخواهی، حق مشارکت در حیات فرهنگی، حق آموزش، حق مالکیت فکری و ... می‌گردد (جووان آراسته، ۱۳۹۹: ۲۹-۷۲).

بحث از آزادی یکی از مسائل مهم در مجموعه مسائل مربوط به حوزه حقوق بشر، حقوق شهروندی و مردم‌سالاری است. بحث در باره آزادی به طور کلی در مجموعه مباحث حقوقی به رابطه شخص و قانون برمی‌گردد که توسط دولت وضع و اجرا می‌شود. به عبارت دیگر، مقوله آزادی ناظر به این امر مهم است که اشخاص تا کجا در فعالیت‌های اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گستره عمل دارند و قانون و مجریان قانون تا چه حدی به آن‌ها اجازه اقدام می‌دهند. متسکیو^۱ در روح‌القوانین، آزادی را این گونه تعریف می‌کند:

«آزادی عبارت از این است که انسان حق داشته باشد، هر کاری را که قانون اجازه داده و می‌دهد، انجام دهد و آنچه را که قانون منع کرده و صلاح او نیست، مجبور به انجام آن نگردد» (منتسکیو، ۱۳۶۲: ۲۹۲). اعلامیه حقوق بشر فرانسه، مصوب ۱۷۸۹، آزادی را به معنای توانایی انجام دادن کاری که به دیگران زیان نرساند، تفسیر می‌کند (جوان آراسته، ۱۳۹۹: ۴۶).

جهت‌گیری حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مقوله آزادی، آزادی مسؤولانه است. زیرا، جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه «کرامت و ارزش انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا» (بند ۶ اصل دوم قانون اساسی)، و در آن «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» (بند ۷ اصل سوم قانون اساسی) به عنوان یکی از سیاست‌های جمهوری اسلامی، لازم شمرده شده و به منظور ضمانت اجرای آن، قانون‌گذار برای مقاماتی که برخلاف قانون، آزادی افراد را سلب کنند یا آنان را از حقوق مقرر خود در قانون اساسی محروم کنند، مجازات‌هایی در نظر گرفته است.

آزادی گاهی جنبه فردی دارد و گاهی جلوه گروهی می‌یابد. آزادی‌های گروهی و جمعی، در راستای زندگی جمعی در جامعه و تحقق منافع مشترک بشری است. این اجتماعات در حقیقت بین قدرت و آزادی شهروندان تعادل ایجاد می‌کند. همچنین، با وجود افکار و اندیشه‌های متنوع در جامعه ممکن است، گروه‌ها و جماعات گوناگون و متمایز درون یک جامعه به وجود آیند که انسجام و نهادینه شدن هر یک از آن‌ها می‌تواند راه‌گشای گفتگوی منطقی و مسالمت‌آمیز در یک نظام مردم‌سالار باشد. این استعدادها اجتماعی که در نظام‌های بین‌المللی و داخلی تحت عنوان «آزادی‌های گروهی» مورد حمایت قرار می‌گیرد، ممکن است به صورت نهادینه، متشکل و به صورت احزاب و انجمن‌ها انسجام یابد و یا به طور اتفاقی، برای بیان پاره‌ای از خواسته‌های مشترک در زمان خاصی به صورت اجتماعات و تظاهرات کوتاه مدت و موقتی پدیدار شود (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۸۷).

مردم حق دارند در گروه‌بندی‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، صنفی و نظایر آن شرکت کنند. جلوگیری از این آزادی و حق، صرفاً زمانی می‌تواند اتفاق بیفتد که نظم عمومی مستقر در کشور را دچار آسیب کند. لازم است، دو نوع گردهمایی از یک‌دیگر متمایز شوند:

۱. گردهمایی‌های موقتی، مانند تجمعات، راهپیمایی‌ها، سخنرانی‌ها و نظایر آن‌ها.
۲. گروه‌بندی‌های دائمی، مانند احزاب، سندیکاها، انجمن‌ها و مانند آن‌ها (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۵: ۱۵۲).

آزادی نوع اول می‌تواند درون آزادی نوع دوم قرار گیرد، زیرا احزاب، سندیکاها و... می‌توانند گردهمایی‌های موقتی نظیر راهپیمایی‌ها را در مسیر اهداف خود برگزار کنند.

این گردهمایی‌ها یا خصوصی هستند، مانند مهمانی‌ها و محافل خصوصی یا جنبه و نمود اجتماعی دارند که به منظور اقدامات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مانند آن تشکیل می‌شوند و مدت آن می‌تواند چند ساعت و یا چند روز باشد. دولت‌ها معمولاً نسبت به مثال اول احساس خطر نمی‌کنند؛ زیرا انتظار عواقب سیاسی و برهم‌زدن نظم عمومی از آن نمی‌رود. اما، مسؤولان انتظامی و امنیتی نسبت به مثال دوم با دقت کافی برخورد می‌کنند. چراکه، امکان تبدیل این‌گونه تجمعات به تجمعات برهم‌زننده نظم عمومی و به وجود آوردن اغتشاش وجود دارد. به همین خاطر، قوانین اساسی کشورهای مردم‌سالار، این آزادی را توأم با شرایطی به شهروندان خود اعطا کرده‌اند تا برهم‌زننده نظم و امنیت اجتماعی نباشد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۵: ۱۵۲). اما، اساس جود این دسته از تجمعات در حیات جوامع مردم‌سالار نقش به‌سزایی دارد (دوفار، ۱۳۹۱: ۸).

از مصادیق عمده تجمعات موقتی که جنبه اجتماعی دارد، تظاهرات و راهپیمایی‌های خیابانی است. قوانین کشورهای مردم‌سالار نیز اساساً این‌گونه تجمعات را آزاد اعلام کرده‌اند. اما، بدیهی است که وظیفه دولت‌ها پیش از

۵. آزادهای فردی و اجتماعی نباید منجر به ولنگاری فرهنگی شده و زمینه اضلال و گمراهی را فراهم آورد،

۶. آزادهای فردی و اجتماعی نباید مصالح عمومی جامعه را به مخاطره بیاندازد.

در این پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش هستیم که «حدود و قلمرو اعتراض مدنی از منظر قوانین جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟»

مبانی نظری پژوهش

اعتراض، مخالفت نسبت به یک اندیشه یا عمل معمولاً سیاسی است. مقصود از اعتراض مدنی در واقع اعتراضی است که مبتنی بر مدنیت (نه بدویت) باشد و در چارچوب مسالمت‌آمیز بودن بگنجد. اعتراضات مدنی ممکن است به صورت خودجوش و فوری و یا به صورت سازماندهی شده و تشکیلاتی در واکنش به مسائل و اتفاقات مختلفی از قبیل، سخنرانی، وضعیت سیاسی، اقتصادی و از این دست بر پا شود و در نتیجه ممکن است موقعیت‌هایی غیر قابل پیش‌بینی برای مقامات حاکمیت فراهم آورند (سازمان امنیت و همکاری اروپا، ۱۳۹۵: ۴۰).

در قوانین بین‌المللی، تنها اعتراضات و تجمعات مسالمت‌آمیز مورد حمایت نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. منظور از مسالمت‌آمیز بودن، ممنوع بودن هرگونه استفاده از سلاح، زور، تحریک، تهدید، خشونت، بستن راه‌ها و مختل ساختن نظم و امنیت عمومی است. مقصود از مسالمت‌آمیز این نیست که مخالفت جمعی از افراد و احاد جامعه را دربر نداشته باشد، بلکه مقصود رعایت حقوق عموم مردم است (سازمان امنیت و همکاری اروپا، ۱۳۹۵: ۴۱).

ابراز اعتراض، نموده‌های مختلفی را دربر می‌گیرد، که برخی از آن‌ها در چارچوب قانون می‌گنجد و مشخصه و ویژگی اصلی این نوع اعتراضات عدم حمل سلاح و رعایت نظم و امنیت عمومی است، مانند اعتراض با سکوت.

دادن این آزادی، تأمین امنیت و نظم عمومی کشور است، زیرا گاهی این تجمعات تبدیل به شورش یا اغتشاش می‌شود؛ به همین خاطر، این آزادی را با شرایطی اعطا می‌کنند تا نظم و امنیت عمومی خدشه‌دار نشود (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

به‌طور کلی، نظرات امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبران جمهوری اسلامی ایران در مورد آزادی عبارتند از:

۱. از نظر رهبران انقلاب اسلامی، آزادی اعم از آزادی

عقیده و اندیشه، آزادی بیان و... امری خدادادی بوده و از نظر آموزه‌های اسلامی آزادی فردی و اجتماعی در همه ابعاد آن ارج نهاده شده و کاملاً مورد تأیید و حمایت است،

۲. در عین حال که آزادی امری ارزشمند و

گران‌بهاست، اما از نظر امام و رهبری، آزادی کمال «وسیله‌ای» است نه کمال «هدفی». یعنی، هدف این نیست که انسان آزاد باشد، انسان باید آزاد باشد تا به کمالات خود نائل آید.

علاوه بر این، از نظر امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای اموری چند به‌عنوان حد آزادی مطرح می‌گردند.

برخی از این حدود عبارتند از:

۱. آزادی باید در چارچوب قانون باشد. در قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین موضوعه که توسط نهادهای دارای صلاحیت قانون‌گذاری وضع شده، چارچوب‌های آزادی‌های فردی و اجتماعی معین شده است،

۲. آزادی‌های فردی و اجتماعی نباید منجر به هرج و

مرج و بی‌نظمی در جامعه شود،

۳. آزادی‌های فردی و اجتماعی نباید موجب توطئه

علیه نظام شده و موجبات تضعیف نظام را فراهم آورد،

۴. آزادی‌های فردی و اجتماعی نباید زمینه‌ساز و

بهانه‌آفرین اهانت و توهین به مقدسات گردد،

در این نوع از اعتراض، معترضین صرفاً با حضور در معابر عمومی، بدون برهم زدن نظم و امنیت عمومی و بستن راه‌ها و با دردست داشتن پلاکارد و نوشته‌هایی و بدون هیچ‌گونه سخنی اعتراض خود را نسبت به مسئله مورد نظر اعلام می‌کنند. **اعتراض با شعارهای چارچوب‌مند نوع دیگری از اعتراض است.** در این شیوه از اعتراض، معترضین با سردادن شعارهای چارچوب‌مند و عاری از هرگونه توهین و تخریب، به صورت یک پارچه اعتراض یا تقاضای خود را اعلام می‌دارند.

تحصن نیز به‌عنوان نوع دیگری از اعتراض، ابتدا به مفهوم بست‌نشینی بود (خالصی، ۱۳۶۶: ۶۹)، اما به مرور زمان مفهوم متمایزی پیدا کرد و بیشتر در قالب اعتراض سیاسی ظاهر شد، هرچند که بست‌نشینی نیز گاه همین کارکرد را داشت. تحصن یا بست‌نشینی شیوه‌ای از اعتراض است که در آن معترضین بدون هیچ‌گونه خشونت‌ی برای بیان اعتراض یا تقاضای خود، در مکانی تجمع می‌کنند و تا زمان حصول نتیجه متفرق نمی‌شوند، البته در این شیوه اعتراض، محل تجمع باید به گونه‌ای انتخاب شود که برهم‌زننده نظم عمومی نباشد و عبور و مرور را مختل نکند.

هنگامی که اعتراض از قلمرو مدنی بودن خود خارج می‌شود و به سمت هنجارشکنی و اغتشاش حرکت می‌کند، خواه بدون حمل سلاح باشد و خواه با حمل سلاح، دیگر قانون حامی و پشتیبان آن نیست، بلکه با عناوین مختلف در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده است.^۱ مقابله با این قبیل اعتراضات از جمله وظایف نیروی انتظامی است که ممکن است حتی منجر به تشکیل پرونده قضایی شود، مانند:

۱. **اعتراض با شعارهای هنجارشکنانه:** در این نوع از اعتراض معترضین با سردادن شعارهای هنجارشکنانه یا با توهین اعتراض خود را بیان

می‌کنند و این شیوه هیچ‌گونه وجاهت قانونی ندارد.

۲. **اعتراض با بستن راه:** در این اعتراض، معترضین برای حصول سریع‌تر نتیجه اعتراض خود، به بستن راه‌های عمومی از جمله خیابان اصلی، جاده اصلی، بستن راه‌آهن و نظایر آن دست می‌زنند که مصداق بارز برهم‌زدن نظم و امنیت عمومی است.
۳. **ایجاد درگیری و آسیب‌رساندن به اموال عمومی:**

اعتراض با حمل هر گونه سلاح اعم از سرد و گرم، ایجاد درگیری با مردم غیر معترض یا درگیری معترضین با یک‌دیگر و درگیری معترضین با نیروی انتظامی و آسیب‌رساندن به اموال عمومی، همه از موارد اغتشاش و از قلمرو اعتراضات مدنی کاملاً خارج است.

حق آزادی بر تجمعات مسالمت‌آمیز یکی از حقوق فردی و بنیادی در قواعد بین‌المللی حقوق بشر است. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسید، نتیجه مستقیم جنگ جهانی دوم و از بین رفتن حقوق مشترک انسان‌ها بود و برای نخستین بار حقوقی را که انسان برای این که انسان است، داراست را به صورت جهانی بیان می‌کند که دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، متعهد به رعایت این اعلامیه هستند. ماده ۲۰ این اعلامیه آزادی شرکت در تجمعات را به رسمیت شناخته و بر این اساس، تمامی دولت‌های عضو سازمان ملل ملزم به رعایت آن هستند. این ماده عبارت است از: ۱. هر شخص حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمن‌های مسالمت‌آمیز بهره‌مند شود و ۲. هیچ کس را نمی‌توان به شرکت در هیچ اجتماع‌ی وادار کرد.»

۱. ر.ک. مواد ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۸، ۶۹۰ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ۱۳۷۵ و سایر مواد قانونی نظایر آن.

خیمینی (ره) مؤید آن است که مبانی اسلام یا ضروریات دین تنها شامل اصول و فروع دین نمی‌شود و هر یک از احکام و مسائل ضروری اسلام را در برمی‌گیرد (قطبی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۲). در همین راستا، ماده ۴۶ منشور حقوق شهروندی هم با شرط رعایت قانون، حق تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را تصریح کرده و دو وظیفه بی‌طرفی و حفاظت از امنیت اجتماعات را برعهده دستگاه‌های مسئول قرار داده است.

با توجه به مفهوم صریح اصل ۲۷ قانون اساسی و همچنین با عنایت به مشروح مذاکرات بررسی تصویب قانون اساسی و نظریه تفسیری شورای نگهبان، اطلاع‌دادن و صدور مجوز برای برگزاری راهپیمایی‌ها و تشکیل اجتماعات امری زاید است، بنابراین عمل خلاف آن نمی‌تواند عمل مجرمانه‌ای باشد و به بیان دیگر، می‌توان اظهار داشت، تنها اجتماعات و راهپیمایی‌هایی غیر قانونی است که همراه با حمل سلاح و مخل مبانی اسلام باشد.

یافته‌ها

با توجه به مشروح مذاکرات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۷ که می‌توان گفت از مترقی‌ترین اصول قانون اساسی است، به نکته‌ای بسیار مهم دست می‌یابیم. از منظر قانون‌گذار، قانون اساسی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون هیچ گونه استجازه و اعلام قبلی و تنها با دو شرط عدم حمل سلاح و مخل نبودن به مبانی اسلام آزاد است. این آزادبودن که صراحت قانون اساسی است مفهومی درون خود دارد؛ به این معنا که، حفظ و تأمین امنیت این آزادی، مانند سایر آزادی‌های قانونی برعهده دولت است.

در این باره آیین‌نامه‌ای با عنوان «آیین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی» برای قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب ۱۳۶۰ در تاریخ ۱۳۸۱/۰۶/۳۱ به تصویب هیأت وزیران رسیده است که در آن هدف از تدوین این آیین‌نامه،

قانون اساسی در هر کشور، بالاترین سند قانونی هر کشور است که نمی‌توان خلاف آن قانونی را به تصویب رساند. اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان جزو مترقی‌ترین اصول این قانون دانست که در آن حق اعتراضات مسالمت‌آمیز با رعایت دو شرط: ۱- به‌همراه نداشتن سلاح و ۲- مخل مبانی اسلام نبودن، به رسمیت شناخته است.

قانون احزاب ۱۳۶۰ نیز در ماده ۱۶ مواردی را بیان کرده است که می‌تواند ذیل این دو شرط قرار بگیرد. ماده ۱۶ از این قرار است: گروه‌های موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیت‌های دیگر خود از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند:

۱. ارتکاب افعالی که به نقض استقلال کشور منجر شود.
۲. هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارت‌خانه‌ها، نمایندگی‌ها، ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که برای آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد.

۳. دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان.

۴. نقض آزادی‌های مشروع دیگران.

۵. ایراد تهمت، افتراء و شایعه‌پراکنی.

۶. نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی همچون طرح‌ریزی برای تجزیه کشور.

۷. تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی، مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران

۸. نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی.

۹. تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضر.

۱۰. اختفاء، نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز.

همان‌طور که روشن است، در دو شرطی که قانون اساسی آورده است، شرط اول، یعنی عدم حمل سلاح اطلاق مشخص است که شامل هر نوع سلاح سرد و گرمی می‌شود. اما، شرط دوم که مخل مبانی اسلام نباشد، می‌تواند محل بحث واقع شود، اما لازم به ذکر است، نظرات امام

برقراری نظم و امنیت عمومی اعلام شده است. اما، ماده ۴ این آیین نامه برخلاف اصل ۲۷ قانون اساسی، برگزاری راهپیمایی ها را منوط به صدور مجوز می داند:

تبصره ۱- رعایت مهلت مقرر در مورد مناسبت های غیر قابل پیش بینی ضروری نیست و تشخیص آن با وزارت کشور است.

تبصره ۲- اجتماعات و گردهم آیی های داخل دانشگاه ها از مقررات این آیین نامه مستثنا بوده و تابع ضوابط مربوط به خود خواهد بود.

تبصره ۳- کمیسیون موضوع ماده (۱۰) قانون باید قبل از صدور مجوز راهپیمایی، نظرات رئیس شورای تأمین محل را اخذ نماید.

تبصره ۴- برقراری امنیت اجتماعات فرهنگی و هنری بنا به درخواست برگزارکنندگان اجتماعات یادشده با نیروی انتظامی خواهد بود.

ماده ۵ این آیین نامه در رابطه با محل برگزاری راهپیمایی و اجتماعات سخن می گوید، مبنی بر این که شوراها تأمین باید محل مناسبی را برای برگزاری مراسم تعیین کنند، اما در ادامه اظهار می شود، سعی شود مراسم در محل های تعیین شده برگزار شود. این قید به معنای ارشادی بودن این ماده است و جنبه الزام ندارد، اما می توان یکی از دلایل تصویب این ماده را تسهیل در تأمین امنیت راهپیمایی عنوان کرد.

ماده ۶ آیین نامه مذکور برگزارکنندگان را ملزم به ارائه تعهداتی می کند که تنها می توان بند «ج» و «چ» آن را با اغماض ذیل شرط مخل نبودن به مبانی اسلام و در راستای تأمین امنیت تجمع پذیرفت، اما سایر بندها خلاف اصل قانون اساسی است. این تعهدات عبارتند از:

الف- عدم ارتکاب موارد مندرج در ماده (۱۶) قانون.

ب- رعایت موارد مندرج در ماده (۳۱) آیین نامه.

پ- کنترل شعارها، اعلامیه ها، تراکت ها و پلاکاردها.

ت- اجرای مراسم در زمان و مکان قیدشده در مجوز.

ث- انجام سخنرانی و ارائه مطالب در چارچوب مجوز

صادرشده.

ج- پیشگیری و اجتناب از توهین و هتک حرمت شخصیت های حقیقی و حقوقی.

چ- همکاری در اجرای توصیه های فرمانداران و فرماندهان انتظامی محل.

در پایان، می توان ذکر نمود که این آیین نامه در ماده ۸ مسئولیت تأمین امنیت راهپیمایی ها و تجمعات را همان طور که قانون هم به آن اشاره کرده است، بر عهده نیروی انتظامی گذاشته و دخالت سایر نیروهای نظامی و لباس شخصی را منع کرده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی در این مقاله بررسی مسأله اعتراض مدنی، حدود و قلمرو آن از منظر قوانین جمهوری اسلامی بود. در مجموعه مباحث حقوق عمومی، حقوق فردی و آزادی های عمومی جزو اساسی ترین اصول حکومت های مردم سالار است. برپایی و ماندگاری جوامع مردم سالار بدون به رسمیت شناختن حق ها و آزادی های فردی و اجتماعی امکان پذیر نیست. حق آزادی تجمعات، راهپیمایی و تظاهرات مسالمت آمیز، یکی از حقوق فردی است که به روش جمعی اعمال می شود و از مهم ترین نمودهای جوامع مردم سالار است که ریشه بنیادین در قواعد بین المللی دارد. حق بر آزادی تجمعات مسالمت آمیز در واقع حقی است برای مردم که دیدگاه و نگرش خود را نسبت به مسائل مختلف به گوش مسئولین و دیگر افراد جامعه برسانند. اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعتراضات مسالمت آمیز را با رعایت دو شرط: به همراه نداشتن سلاح و مخل نبودن به مبانی اسلام، آزاد اعلام نموده و این حق را به رسمیت شناخته است. بر اساس این اصل و دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه ای، حاکمیت موظف است با رعایت این دو شرط، امنیت این اعتراضات را تأمین نماید. چراکه، هر زمان آزادی از طرف قانون گذار تصریح می گردد، تأمین امنیت آن آزادی هم برعهده حاکمیت است. همچنین، وضع هر گونه قانون و

۱۴. هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی. تهران، نشر میزان.
۱۵. قطبی، میلاد؛ بهادر جهرمی، علی. (۱۳۹۵). محدودیت‌های آزادی در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، (۱۰)، ۷۹-۵۵.

آیین‌نامه‌ای که شرط یا شروط دیگری بر این دو شرط مصرح در قانون اساسی اضافه نماید، خلاف صریح قانون اساسی است. شورای نگهبان به‌عنوان نهاد نگهبان و یگانه مرجع صلاحیت‌دار برای تفسیر قانون اساسی، اقدام به ابطال مواردی نموده است.

منابع

۱. انوری، حسن. (۱۳۸۶). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن، چاپ چهارم، ج ۱.
۲. بردبار، محمد حسن. (۱۳۸۸). درآمدی بر حقوق ارتباط جمعی. تهران: انتشارات ققنوس، چاپ چهارم.
۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). سرچشمه اندیشه. قم: مرکز چاپ و انتشارات اسراء، ج ۴.
۴. جوان آراسته، حسین. (۱۳۹۸). حقوق اساسی (کلیات، منابع و مبانی). قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
۵. جوان آراسته، حسین. (۱۳۹۸). حقوق بشر در اسلام (مفاهیم، مبانی و مصادیق). قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
۶. جوان آراسته، حسین. (۱۳۹۹). حقوق اساسی ۳ (حقوق بشر، حقوق شهروندی، مردم‌سالاری). قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. خالصی، عباس. (۱۳۶۶). تاریخچه بست و بست‌نشینی. تهران، انتشارات علمی.
۸. دوفار، ژان. (۱۹۹۶). آزادی‌های گروهی (آزادی تجمع، تظاهرات، انجمن و سندیکا)، ترجمه علی‌اکبر گرجی از ندریانی. تهران، انتشارات مجد.
۹. قاضی شریعت‌پناهی، سید ابوالفضل. (۱۳۸۵). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران، نشر میزان، چاپ بیست و هفتم.
۱۰. لاگلین، مارتین. (۱۳۸۸). مبانی حقوق عمومی، ترجمه محمد راسخ. تهران، نشر نی.
۱۱. محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۳). حقوق بشر دوستانه بین المللی. تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷). استفتائات جدید. قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع)، چاپ دوم، ج ۳.
۱۳. منتسکیو، شارل. (۱۳۶۲). روح القوانين، ترجمه علی‌اکبر مهتدی. تهران: امیر کبیر، چاپ هشتم.